حماسه ساکنان مکران در مبارزه با استعمار

مکران ، منطقه ای وسیع در جنوب و جنوب غربی ایران که حدود 700 کیلومتر از نوار ساحلی دریای عمان و خلیج فارس را در خود جای داده و سهمی هر چند دیده نشده، اما تعیین کننده در امنیت و اقتصاد مناطق جنوبی و البته سراسر کشور دارد، نه تنها امروز، که در طول تاریخ همواره از جهات مختلف داراي اهمیت بوده است.

جمعیت 400 هزار نفری منطقه ای راهبردی به لحاظ امنیتی، اقتصادی، تجاری و با پتانسیل های عظیم گردشگری برای ایران، اگر چه امروز غالبا با محرومیت و فقر دست و پنجه نرم می کنند اما تاریخ چند قرن اخیر، گواه و سندی روشن برای بخش از جانفشانی ها و مبارزات ساکنان این خطه حماسه ساز برای دفاع از آب و خاک ایران زمین در برابر متجاوزان بیگانه و استعمارگران است.

موقعیت و جایگاه استراتژیک سواحل مکران موجب شد این مناطق از نظر ارتباطی در دنیاي قدیم به عنوان یکی از مسیرهاي دریایی مورد توجه بیگانگان قرار گیرد و چشم طمع به این منطقه حیاتی از ایران دوخته شود. با شکل گیري جریان استعمار در قرن شانزدهم ، این بخش از سواحل ایران از همان ابتدا مورد توجه استعمارگران پرتغالی قرار گرفت و سعی آنان بر این بود که بر بنادر مهم آن مسلط شوند. دست اندازي پرتغالی ها موجب واکنش تحسین برانگیز و تاریخی مردم این منطقه در برابر آنان گردید ، به گونه اي که معروفترین روایت های حماسی مردم این منطقه با موضوع مقابله با پرتغالی ها شکل می گیرد. نبردهاي ساکنان سواحل مکران حتی الگویی براي سایر ساحل نشینان اقیانوس هند ، دریاي عمان و خلیج فارس شد و جریان استعمار ستیزي در این مناطق آغاز گردید. با استقرار انگلیسی ها در این منطقه ، آنها در ابتدا سیاست هاي مسالمت جویانه اي در پیش گرفتند و روابط بازرگانی با مردم بنادر مکران برقرار نمودند. با تبدیل روابط تجاري به ماجراجویی هاي سیاسی که متاثر از تسلط انگلیسی ها بر هندوستان بود ، مردم بلوچستان به مقابله با آنها پرداختند. مبارزات مردم در برابر اهداف استعماري آنها با بهره گیري از روحیه بیگانه ستیزي و پشتوانه دینی و اعتقادي ، منافع انگلیسی ها را به چالش کشید. استعمارگران انگلیسی اگرچه با اتکا به نیروي نظامی برتر و تسلیحات پیشرفته و همکاري حکومت قاجاریه و بهره گیري از شرایط و اوضاع داخلی منطقه ، سرانجام موفق به فرونشاندن این حرکت شدند ، لیکن همواره روحیه بیگانه ستیزي در میان مردم منطقه باقی ماند.

جنوب و جنوب شرقی ایران، بویژه خلیجفارس و دریاي مکران، مستقیماً صحنۀ رویارویی مردم با استعمار فرنگیان، بویژه پرتغالیها و انگلیسیها بوده است. از این میان، مردم و قهرمانان مبارز ولی گمنام ساحل دریاي مکران در این مبارزات نقش بسیار بسزایی دارند.جوهرة ایمان، ایثار، بیگانهستیزي، وطندوستی و پاسداري از کیان دین و مردم و نهادینه کردن مبارزه همه جانبه با استعمار خارجی و استبداد داخلی، مهمترین آثار بهجا مانده از این مبارزان دلیر و گمنام است. قیام و مبارزة دلیرانی چون «میرهمَّل»در قرن 16 و «خلیفه خیرمحمد» در حدود 100 سال پیش، علیه استعمارگران در ساحل دریاي مکران، نزد مردم بومی این سرزمین از افتخارات و حماسه هاي آنان به شمار می آید و آنان این حوادث مهم تاریخی را همچون رویدادهاي مهم دیگر با شعر، حفظ کردهاند. قیام و مقاومت در برابر استعمارگران، موضوع چند منظومۀ حماسی در ادبیات بومی بلوچستان است.

مرزنشینان مکران امروز نیز نقش و ماموریتی خطیر در حفاظت از کیان ایران زمین به ویژه در مناطق مرزی نه چندان آرام با همسایگان شرقی دارند اما به یقین باید گفت تا به امروز، هیچ گاه ارزش و قدر حماسه ها و میهن پرستی های مردم، طوایف و اقوام محروم و مظلوم ساکن در مکران آنگونه که شایسته آنان باشد، شناخته و دانسته نشده است.

هنوز وجود دارند نقاط محرومی در مکران که از کمترین امکانات رفاهی نظیر آب و برق محروم اند و اگر قرار است دولت جمهوری اسلامی ایران و و دستگاه های ذیربط عملکردی قابل قبول در تحقق تاکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی بویژه در یک دهه اخیر مبنی بر اهمیت و ضرورت توسعه پایدار مکران داشته باشند، توجه به مردم، نیازها، خواسته ها و البته ظرفیت ها، استعدادهای فراوان و توانمندی های بالقوه و بالفعل ساکنان این منطقه در زمینه های گوناگون را در صدر اولویت های خود قرار دهند و باید به این باور برسند که آهنگ توسعه مکران را ، مکرانی ها بهتر و زیباتر از هر غیربومی دیگر می توانند بنوازند گام های توسعه را بلندتر و سریع تر از نیروی غیربومی دیگر می توانند بردارند اگر دیده شوند، حمایت شوند و باور شوند.

//////////////////////

مکران نیازمند توسعه "مردم محور"

زمانی که سخن از توسعه پایدار و همه جانبه یک منطقه به میان می آید، برداشت ها، مفهوم ها و واژه هایی گوناگون نظیر، رشد اقتصادی، ایجاد زیرساخت ها، تقویت امنیت، ارتقاء استانداردها زندگی، ارتقاء سطح سواد و تحصیلات عموم، فقر زدایی و ... به ذهن خطور می کند.

به فراخور موضوع و اهداف مشخص شده، تعریف های بسیار گوناگونی از توسعه پایدار از سوی کارشناسان ارائه شده است اما وقتی از توسعه پایدار منطقه ای ساحلی-مرزی چون سواحل مکران صحبت می شود که هم به لحاظ جایگاه ملی، هم منطقه ای وهم بین المللی یک منطقه راهبردی به معنای واقعی کلمه به شمار می رود، بدون تردید مهم ترین و نخستین فاکتوری که برای تحقق توسعه پایدار باید در اولویت نخست قرار گیرد، توجه به مقوله آموزش ساکنان بومی با هدف ارتقاء توانمندی ها و شکوفایی استعدادها و پتانسیل های فراوان نهفته درآن است چرا که توسعه زمانی مفهوم پایدار به معنی واقعی کلمه به دنبال خواهد داشت که صاحبان و ساکنان اصلی همان منطقه با عشقی که زادگاه مادری خود دارند، برای ساختن و آبادانی آن بکوشند و در تمام مراحل توسعه سهیم باشند.

سواحل مکران که ضرورت توسعه آن همواره از مهم ترین دغدغه های حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است، به رغم برخورداری از پتانسیل های فراوان تجاری و اقتصادی و منابع طبیعی سرشار، در مجموع از جمله مناطق محروم ایران محسوب می شود که به رغم توصیه ها و سفارش های مکرر و موکد رهبر انقلاب اسلامی، تا کنون آنگونه که شایسته این منطقه است، توجه جدی به توسعه آن صورت نگرفته است.

سواحل مکران ، منطقه ای از شرق بندرعباس تا نقطه صفر مرزی ایران و پاکستان است، در امتداد ساحل دریای عمان و با خط ساحلی خیره‌کننده، به عنوان چشم‌اندازی بی‌نظیر در یکی از مهم‌ترین مناطق ایران و به‌عنوان گنج نهفته ایران شناخته می‌شود.

این منطقه با دارا بودن ظرفیت‌های فراوان و موقعیت جغرافیایی ویژه از اهمیت بالایی برخوردار است. سواحل مکران علاوه بر زیبایی‌ها و جاذبه‌های گردشگری بسیار، ازنظر جغرافیایی و موقعیت استراتژیکی نیز منحصربه‌فرد است و مجاورت با مرز‌های شبه‌قاره هند و دریای عمان از جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و... این منطقه را بیش‌ازپیش ارزشمند کرده است به‌طوری‌که از سده ۱۵ میلادی اهمیت و جایگاه مکران همواره موردتوجه کشور‌های استعماری جهان قرار داشته و امروز نیز در صدر توجه‌های منطقه‌ای است.

مکران ، تنها بندر اقیانوسی کشور یعنی چابهار را در دل خود جای داده است . در حوزه‌های شیلات، کشاورزی و گردشگری ظرفیت‌های بسیار خوبی دارد و می‌تواند در زمینه‌های  اشتغال، تولید و صادرات کمک‌های بسیاری به توسعه پایدار کشور کند.

در مجموع می‌توان گفت سواحل مکران در جنوب شرق ایران، به دلیل موقعیت و ویژگی‌های استراتژیک آن از منظر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی دارای اهمیت فراوانی است.

تمام این ویژگی های ناب، تنها بخشی از دلایل فراوان بر ضرورت توسعه مکران است.

گرچه تا کنون و در دوره های مختلف اقدامات و تلاش هایی برای توسعه مکران صورت گرفته است اما مادامی که در روند توسعه پایدار، به ساکنان و مردم این منطقه به عنوان آشناترین، دلسوزترین و عاشق ترین مردم به پیشرفت و ترقی سرزمین خود توجه کافی نشود و مادامی که مسئولان به توانمندی های بالقوه و بالفعل ساکنان مکران برای شکوفا ساختن آن و به ظهور و بروز رساندن ظرفیت هایی طلایی اقتصادی، تجاری، گردشگری، صنعتی، دفاعی-امنیتی و ... آن باور و اعتقاد قلبی نداشته باشند و این اعتقاد را پایه و اساس برنامه ها و تلاش ها برای به پیشرفت رساندن منطقه قرار ندهند، توسعه مکران را باید همچنان رویایی دست نیافتنی دانست.

ارتقاء کیفی و کمّی برنامه های آموزشی با هدف بالا بردن سطح دانش، توانمندی و شکوفا سازی استعدادهای فراوان و پنهان در مکران و سوق دادن نیروهای مردمی منطقه به سمت کسب علوم ، فنون و مهارتهای لازم ، اولین، مهم ترین وجدی ترین گام در مسیر توسعه پایدار سواحل مکران است؛ مسیری که چندان کوتاه و آسان نیست اما این یقین که مقصدش ، دستیابی به توسعه پایدار خواهد بود، از سختی های راه، سفری دلپذیر می سازد.

به عبارت دیگر، مشارکت مردم هم هدف توسعه و هم وسیله رسیدن به آن است.

توسعه علاوه بر اینکه باید اقتصادی باشد، باید انسانی نیز باشد و خواسته ها وانتظارات مردم آن منطقه را نیز پاسخگو باشد. تاکید صرف بر اقتصادی بودن توسعه بدون توجه به توزیع برابر فرصت های آن و بدون بهره مندی اکثریت جامعه از آن نمی تواند مقبول و ماندگار باشد.

بر این مبنا، در توسعه انسانی پایدار باید منافع حاصل از رشد اقتصاد بطور عادلانه توزیع شود و به جای راندن مردم به حاشیه، باید آنها را از قدرت برخوردار کند. جامعه توسعه یافته و پایدار، جامعه ای است که آحاد جامعه در تعیین سرنوشت خویش بیشتر دخالت داشته باشند و چنین جامعه ای، جامعه توسعه یافته به شمار می رود.

الگوی توسعه پایدار، واقعیتی است که بر اساس القای یک روند از بالا به پایین به وجود نمی اید و گروهی خاص نمی تواند آن را بر گروهی دیگر تحمیل کند. بلکه حالتی است که از بطن همان جامعه برانگیخته می وشد و تمام اجزای جامعه شامل اقشار مختلف مردم درآن نقش انکارناپذیر دارند.

مادامی که به این واقعیت مهم و تعیین کننده که مردم ثروت واقعی هر کشور، شهر یا منطقه هستند، اعتقاد قلبی وجود نداشته باشد، نمی توان مدعی دستیابی به توسعه پایدار با نفع مردم شد و عملا در چنین سیستمی، توسعه پایدار به معنی واقعی آن شکل نخواهد گرفت.

 با توجه به مطالبی که در بالا مطرح شد، اگر بپذیریم که مردم و اجتماع انسان ها بدنه اصلی و بطن توسعه ای همه جانبه، فراگیر و پایدار را تشکیل می دهند، توجه به این نکته نیز ضروری است که مردم در چنین الگویی باید به مفهوم جامع آن در نظر گرفته شوند ؛ یعنی باید اکثریت ممکن مردم با وجود گوناگونی و تنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... درفرایند توسعه درگیر شوند و عملا در آن ایفای نقش کنند. چرا که مردم در ارتباط متقابل خود با محیط زیست، طبیعی و انسانی در طول زمان، به مجموعه ای از تجارب و سازگاری ها دست یافته اند که به صورت سازمان های مختلف تولیدی، اجتماعی، فرهنگی و درقالب نظام های اجتماعی ، اقتصادی، عرف محلی و دانش بومی تبلور یافته است